



# درس نامه ترجمه

اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن

سید محمد حسن جواهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
۱۳۸۹

جواهری، سیدمحمدحسن، ۱۳۵۰ -

درس نامه ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن / سیدمحمدحسن جواهری . - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

ده، ۳۳۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۵۴. علوم قرآنی؛ ۱۲)

ISBN: 978-600-5486-03-2

بهاء: ۳۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۳۱۶ - ۳۲۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
نمایه.

۱. قرآن - ترجمه - راهنمای آموزشی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۴

BP ۶۳ / ۸ / ج ۹ د ۴ ۱۳۸۸

۱۷۱۸۵۱۳

کتابخانه ملی ایران



درس نامه ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن

مؤلف: سیدمحمدحسن جواهری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۵۴. علوم قرآنی: ۱۲)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: پاییز ۱۳۸۹

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه □ تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۹۰۶۰۳۰) شماره: ۲۸۰۳۰۹۰ و

۰۲۹۰۹۳۱۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو □ تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر که اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن را در ساختار یک درس‌نامه به بحث گذاشته است، می‌کوشد ابزار و روش‌های رسیدن به یک ترجمه موفق را به دست دهد. این کتاب افزون بر محور قرار دادن ترجمه قرآن، نیم‌نگاهی به ترجمه حدیث نیز دارد؛ از این رو، می‌تواند برای دانش‌پژوهانی که به نوعی با ترجمه قرآن و حدیث سروکار دارند، مفید افتد؛ به‌ویژه دانش‌پژوهان حوزوی و دانشجویان رشته‌های الهیات و علوم قرآن و حدیث در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند. در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم آقای سید محمدحسن جواهری تشکر و قدردانی کند.

## فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
تذکرات	۱

## فصل اول: کلیات

۱. ریشه‌شناسی ترجمه	۵
۲. مفاهیم لغوی ترجمه	۶
۳. تعریف ترجمه بین‌زبانی	۷
۴. اهمیت و ضرورت ترجمه	۸
۵. پیشینه ترجمه قرآن	۱۰
فهرست اجمالی ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی	۱۱
۶. ترجمه‌ناپذیری و موانع ترجمه قرآن	۱۷
۱-۶. موانع زبانی در ترجمه قرآن کریم	۱۸
۱-۱-۶. جامعیت زبان عربی	۱۸
۲-۱-۶. موانع ساختاری (آوایی و بلاغی)	۲۱
۲-۶. موانع معنوی	۲۲
۷. ابعاد متن مبدأ در ترجمه	۲۳
۱-۷. بعد آوایی متن مبدأ	۲۳
۲-۷. بعد بلاغی متن مبدأ	۲۴
۳-۷. فضای حاکم بر متن مبدأ	۲۸
فضای فرهنگی و اجتماعی در ترجمه احادیث	۳۰

۳۱	۴-۷. بعد واژگانی و دستوری متن مبدأ
۳۱	۵-۷. بعد سبکی متن مبدأ
۳۱	۸. احکام فقهی ترجمه قرآن کریم
۳۱	۸-۱. جواز ترجمه قرآن
۳۳	دلایل مخالفان
۳۴	دلایل موافقان
۳۵	۸-۲. قرائت ترجمه در نماز
۳۶	۸-۳. جواز مس ترجمه قرآن
۳۶	۹. سبک‌های ترجمه
۴۰	ترجمه‌های آهنگین
۴۰	ترجمه‌های آوایی
۴۰	ترجمه آوایی نسفی
۴۱	ترجمه‌های منظوم
۴۴	ارزش‌گذاری ترجمه‌های آهنگین
۴۴	ترجمه‌های منثور
۴۵	۱۰. روش‌های ترجمه قرآن
۵۱	۱. ترجمه لغوی یا لفظ به لفظ
۵۲	۲. ترجمه تحت‌اللفظی
۵۳	۳. ترجمه وفادار یا امین و یا معادل
۵۵	۴. ترجمه معنایی یا محتوایی
۵۷	۵. ترجمه آزاد
۵۹	۶. ترجمه تفسیری
۶۱	نقد، بررسی و جمع‌بندی
۶۴	۷. زبان معیار
۶۷	۸. واحد ترجمه
۶۹	نقد و بررسی
۷۰	۹. تفاوت‌ها و شباهت‌های ترجمه و تفسیر
۷۱	تفاوت‌های غالبی ترجمه و تفسیر
۷۲	پژوهش بیشتر و خودآزمایی

## فصل دوم: اصول و مبانی ترجمه قرآن

۷۵	اصول و مبانی ترجمه قرآن
۷۵	رابطه اصل و مبنا
۷۶	نظریات دیگر
۷۶	اصول ترجمه قرآن
۷۶	اصل اول: تسلط بر زبان مبدأ و درک صحیح آن
۸۰	اصل دوم: آشنایی کامل با زبان مقصد
۸۲	اصل سوم: امانت‌داری در ترجمه
۸۳	الف) امانت‌داری در ترجمه واژه‌های متشابه و اصطلاحات
۸۹	ب) ضمیمه کردن برداشتها و نظریه‌های تفسیری مترجم در ترجمه
۹۰	ج) ابهام‌شناسی و مسئله امانت‌داری در مبهمات
۱۰۹	پژوهش بیشتر و خودآزمایی

## فصل سوم: مبانی ترجمه

۱۱۳	مبانی ترجمه
۱۱۳	ضرورت وجود پیش‌فرض برای تفسیر و ترجمه
۱۱۴	۱. مبانی کلامی مترجم قرآن
۱۱۵	۱-۱. صفات خبری خداوند در قرآن
۱۱۷	۲-۱. رؤیت خداوند
۱۱۸	۳-۱. علم الهی
۱۱۹	۴-۱. عصمت انبیا
۱۲۲	۵-۱. جبر و اختیار
۱۲۳	۲. مبانی فقهی مترجم قرآن
۱۲۵	۳. مبانی تفسیری مترجم
۱۲۷	پژوهش بیشتر و خودآزمایی

## فصل چهارم: فرایند ترجمه قرآن

۱۲۹	فرایند ترجمه قرآن کریم
۱۲۹	۱. تحلیل واژگانی متن مبدأ
۱۳۰	۱-۱. هم‌معنایی واژگانی

۱۳۱	ترادف و شرایط تحقق آن
۱۳۴	فروق اللغات
۱۳۵	زوج و امرأه
۱۳۹	فهرست مترادف‌نماهای قرآن
۱۵۱	۲-۱. اضداد (تضاد معنایی واژگان)
۱۵۲	اضداد در قرآن
۱۵۳	برخی ساختارهای صرفی مشمول اضداد
۱۵۴	۳-۱. وجوه و نظایر
۱۵۴	تعریف وجوه و نظایر
۱۵۵	تفاوت مشترک لفظی و وجوه بر اساس این تعریف
۱۵۸	۴-۱. تضمین
۱۶۱	۵-۱. قواعد واژه‌شناسی
۱۶۱	الف) رهایی از دام معانی ارتکازی
۱۶۵	ب) توجه به معانی واژه‌ها در زمان و مکان نزول
۱۶۷	ج) حقیقت قرآنی
۱۶۹	د) قاموس‌شناسی و مراجعه صحیح به آن‌ها
۱۶۹	۲. تحلیل آوایی و دستوری متن مبدأ
۱۷۰	۳. فهم مراد استعمالی آیات قرآن
۱۷۱	۴. برابریابی واژگانی، دستوری و ایجاد تعادل
۱۷۲	زبان‌شناسی مقابله‌ای (Contrastive linguistics)
۱۷۲	تفاوت زبان‌شناسی مقابله‌ای و زبان‌شناسی تطبیقی
۱۸۹	فرایند برابریابی و تحلیل تقابلی در ترکیب‌ها
۱۹۲	التفات، بلاغتی بی‌پایان
۱۹۸	۵. شناخت سبک و ایجاد تعادل سبکی
۲۰۴	سبک‌های کلی قرآن
۲۰۷	۶. یکسان‌سازی در ترجمه
۲۰۸	۱-۶. یکسان‌سازی در ترجمه واژه‌ها و عبارتهای مشابه
۲۱۰	۲-۶. یکسان‌سازی در ترجمه عناصر صرفی و ساختارهای نحوی
۲۱۲	۳-۶. یکسان‌سازی در حذف و اضافه
۲۱۲	۴-۶. یکسان‌سازی در ویرایش



۲۱۴	۵-۶. یکسان‌سازی در نوع و نثر ترجمه
۲۱۴	۷. رعایت فضای فکری و فرهنگی مخاطب
۲۱۵	۱-۷. تحول معنایی
۲۱۶	۲-۷. بازتاب فرهنگی ترجمه
۲۱۶	۳-۷. رعایت ادب در ترجمه
۲۲۰	۴-۷. تحریک ساکن نکردن
۲۲۰	۸. ارزیابی و کنترل نهایی ترجمه
۲۲۱	۱. گروه تفسیر
۲۲۱	۲. گروهی متشکل از کارشناسان ادبیات (مبدأ و مقصد)، زبان‌شناس و ویراستار
۲۲۱	۳. گروهی متشکل از مترجمان و منتقدان برجسته
۲۲۱	۴. گروهی منتخب از مخاطبان
۲۲۲	ترجمه گروهی
۲۲۳	ساختاری نو در ارزیابی ترجمه‌های قرآن
۲۲۵	فواید جدول ارزیابی
۲۳۹	شرایط مترجم
۲۴۱	پژوهش بیشتر و خودآزمایی
۲۴۳	<b>پیوست ۱. قاموس‌شناسی و مراجعه صحیح به آن‌ها</b>
۲۴۴	یکم) گونه‌های مختلف معاجم
۲۴۴	۱. فرهنگ‌های لغوی
۲۴۴	۱-۱. فرهنگ‌های عام لغوی
۲۴۴	۲-۱. فرهنگ‌های خاص
۲۴۶	۳-۱. فرهنگ‌های دوزبانه
۲۴۶	۴-۱. فرهنگ‌های تخصصی
۲۴۶	۵-۱. فرهنگ‌های موضوعی
۲۴۷	۲. فرهنگ‌های لغت یک‌زبانه عربی
۲۴۷	۱-۲. کتاب العین
۲۵۰	۲-۲. معجم الجیم
۲۵۰	۳-۲. جَمَهْرَةُ اللُّغَةِ
۲۵۱	۴-۲. تَهْذِيبُ اللُّغَةِ

۲۵۲	۵-۲. المحيط في اللغة
۲۵۲	۶-۲. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)
۲۵۵	۷-۲. مقاييس اللغة
۲۵۷	۸-۲. المَحْكَمُ
۲۵۸	۹-۲. اساس البلاغة
۲۵۹	۱۰-۲. مختار الصحاح
۲۵۹	۱۱-۲. لسان العرب
۲۵۹	۱۲-۲. المصباح المنير (في غريب الشرح الكبير للرافعي)
۲۶۰	۱۳-۲. قاموس المحيط
۲۶۰	۱۴-۲. مجمع البحرين و مطلع النيرين
۲۶۱	۱۵-۲. الكلبيات
۲۶۱	۱۶-۲. تاج العروس من جواهر القاموس
۲۶۲	۱۷-۲. المنجد في اللغة والاعلام
۲۶۲	۱۸-۲. اقرب الموارد في فصح العربية والشوارد
۲۶۳	۳. فرهنگ‌های لغت دوزبانه
۲۶۳	شماری از فرهنگ‌های دوزبانه قرآنی
۲۶۴	دوم) فرهنگ‌نامه‌های لغوی قرآنی
۲۶۹	سوم) کاستی‌های فرهنگ‌های لغت
۲۷۲	چهارم) شیوه استفاده صحیح از منابع لغوی
۲۷۳	پنجم) اجتهاد در لغت و حجیت آن
۲۷۵	ششم) برخی ابزار بهره‌مندی بیشتر از کتب لغت
۲۸۱	پیوست ۲. منبع‌شناسی ترجمه
۲۸۱	الف) کتب
۲۸۸	ب) مقالات فارسی
۳۱۱	ج) مقالات عربی
۳۱۶	منابع و مآخذ
۳۲۷	نمایه آیات

## پیشگفتار

ترجمه بین‌زبانی از گذشته‌های دور مورد توجه بوده و «ترجمه قرآن» از همان سده‌های اول جای خود را در بین فعالیت‌های قرآنی باز کرده است. اهمیت یافتن روزافزون مباحث ترجمه در جامعه ما باعث شده اساتید محترم مراکز آموزشی، هر یک به فراخور نیازهای مخاطبان خود جزوه‌هایی را تدوین و ارائه کنند؛ اما با همه این احوال، برخی مراکز آموزشی - تربیتی خواستار تدوین درس‌نامه‌ای با ویژگی‌های خاص شدند که مشابه آن در دسترس نبود؛ بر این اساس لازم بود که شخصی عهده‌دار این مهم شود و مسیر را برای ظهور چنین اثر ارجمندی آماده کند و در این میان قرعه به نام کمترین خدمت‌گزار ساحت مقدس قرآن - البته اگر لایق نام خدمت‌گزاری باشم - افتاد و او که سالیانی کم و بیش در این وادی رطب و یابسی فراهم آورده بود، با دست‌مایه‌ای از کتاب دست‌نویس خویش به نام پژوهشی در اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن و برخی مقالات دیگر کوشید درس‌نامه‌ای فراهم آورد که در عین اختصار، بسیاری از مباحث کلیدی دانش ترجمه را به بحث گذارد و برای فایده بیشتر، پرسش‌هایی را در پایان فصول آن تنظیم نمود تا نمکی از «فن» ترجمه نیز بر آن بیاشد. امید که دانش‌پژوهان هنرمند، هنر را در کنار دانش و تجربه<sup>۱</sup> به کار گیرند و به کارهایی کارستان دست یازند. توفیق الهی یارشان باد!

## تذکرات

۱. نگارنده در این کتاب در پی نقد ترجمه‌های قرآن کریم نبوده و نقل شاهد مثال‌ها از ترجمه‌ها صرفاً با هدف آموزشی انجام شده است.

---

۱. ترجمه، مجموعه‌ای فراهم آمده از «علم»، «فن» و «هنر» است؛ یعنی مترجمی توانمندتر است که افزون بر دست‌مایه درونی و استعداد خدادادی، ظرایف ترجمه را از استاد فراگیرد و در میدان عمل، با آموزه‌های برآمده از تجربه بیامیزد و به کارگیرد.

۲. در انتخاب ترجمه‌ها سعی شده از آخرین چاپ استفاده شود، ولی احتمال وجود نسخه‌هایی کامل‌تر و با تجدید نظر مؤلفان آن‌ها، متفی نیست.
۳. از بین ترجمه‌های موجود در بازار یا کتابخانه‌های تخصصی و یا رایانه، تنها از آن‌هایی استفاده گردید که می‌توانست شاهی برای موضوع بحث به ما ارائه دهد و نقل از ترجمه‌ها دلیل بر تأیید آن‌ها نیست. در ضمن، نقل برخی شواهد از برخی ترجمه‌ها تصادفی بوده و به دلیل تنگناهایی در تحقیق کتابخانه‌ای، انتخاب شواهد به در اختیار بودن یا نبودن برخی منابع بازگشت می‌کند.
۴. سعی شده است شاهدها از ترجمه‌های برجسته و مورد اقبال مردم و یا متخصصان استخراج شود.
۵. در نقل ترجمه‌ها جز رعایت فصل و وصل به سبک معمول زمان ما و نیز برخی علائم ویرایشی آن هم در موارد ضروری - البته در غیر شاهد مثال - دست خط مترجم عیناً نقل شده است؛ از این‌رو گاه ناهماهنگی‌هایی در متن و شاهدها در ویرایش فنی دیده می‌شود. همچنین یادآور می‌شوم که ویرایش فنی بر اساس مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی و برخی قوانین ویرایشی و نگارشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه می‌باشد.
۶. نقدهای نگارنده بر ترجمه‌های گزارش شده در کنار نقل شواهد، در واقع تنها به قاضی رفتن و از یک دیدگاه سخن گفتن است و چه‌بسا اگر در معرض پاسخ مترجمان ارجمند قرار گیرد، چون خاکستری پراکنده شود: «كِرْمَادٍ اَشْتَدَّتْ بِهِ اَلرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ»؛ بنابراین پیشاپیش به پیشگاه همه آن‌ها عذر می‌آورم و امیدوارم - همان‌گونه که در نیت داشته‌ام - در نقد همواره جانب انصاف را رعایت کرده باشم.
۷. به دلیل ضیق مجال، نام مترجمان در اغلب موارد بدون القاب ذکر شده که پیشاپیش از همه آن‌ها عذرخواهی می‌شود.
۸. در نقل شواهد از ترجمه‌ها، در اغلب موارد نظر به همان شاهد مثال بوده و چه‌بسا اشکالات دیگری نیز در ترجمه‌ها وجود داشته که بدان پرداخته نشده است؛ بنابراین، تأیید یک شاهد به معنای تأیید آن از جنبه مورد بحث است نه همه جوانب.
۹. یکی از نکات مورد توجه، تداخل نکردن مباحث حوزه‌های گوناگون علوم مورد نیاز مترجم در مباحث روشی این کتاب است؛ دانش‌هایی مانند روش‌شناسی تفسیر، برخی مباحث ادبیات و زبان فارسی و نیز زبان‌شناسی و مباحث مهم آن در حوزه ایجاد

تبادل‌های صرفی، نحوی و بلاغی که به دلیل ضیق مجال و تضییع نشدن آن‌ها در انتقال ناقص، به منابع تخصصی مربوط واگذار شده است.

سخن پایانی این‌که مطالب ارائه شده در این کتاب به دلیل گستردگی مباحث ممکن است با ضعف‌هایی روبه‌رو باشد که اولاً، سعه صدر خوانندگان گرامی را می‌طلبد که بر نویسنده ببخشایند و ثانیاً، با بزرگواری و منش کریمانه خود این کمترین خدمت‌گزار قرآن کریم را از نکات ارزشمند و راهگشای خود بهره‌مند سازند؛<sup>۱</sup> همچنین لازم می‌دانم از مسئول گروه علوم قرآن پژوهشگاه حوزه و دانشگاه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر سعیدی روشن که با مطالعه اجمالی این نوشته نکاتی را پیشنهاد کردند و مسیر انتشار آن را فراهم نمودند، قدردانی کنم و نیز از حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر طیب حسینی که با دقت تمام، سراسر این نوشته را از نظر گذرانیدند و نکات و پیشنهادهای ارزنده‌ای را ارائه نمودند که خدائی خود اجر ایشان را دهاد؛ و نیز بیفزایم دوستانی که هر یک بخش‌هایی از این کتاب را مطالعه کردند، به‌ویژه از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین کرمی فریدنی که زحمت مطالعه کامل پیش‌نویس آن را عهده‌دار شدند؛ خداوند خود پاداش آن‌ها را آن‌چنان که کرمش اقتضا دارد، عنایت فرماید. وفقنا الله و اياهم فی الدنيا والآخرة و حشرنا الله و اياهم مع اولیائه الابرار.

صفحه ۲ خالی می باشد

## فصل اول

### کلیات

#### ۱. ریشه‌شناسی ترجمه

لغت‌شناسان درباره ریشه لغوی «ترجمه» اختلاف نظر دارند که می‌توان آرای آن‌ها را در دسته‌های ذیل خلاصه کرد:

الف) «ترجمه» ریشه‌ای آرامی دارد. طرفداران این فرضیه بر این باورند که ترجمه و ترجمان و دیگر مشتقات آن از «ترگوم»<sup>۱</sup> یا «ترگومین»<sup>۲</sup> آرامی گرفته شده و در عربی رواج یافته‌اند. علامه دهخدا در لغت‌نامه دهخدا و رفائیل نخلة الیسوعی در غرائب اللغة العربیة از این قول جانب‌داری کرده‌اند.

گفتنی است بر اساس این نظریه، صورت‌هایی از واژه‌های آرامی، پیش از اسلام و یا پس از آن و از طریق زبان عربی به زبان فارسی راه یافته است؛ بنابراین، نمی‌توان ریشه آن را در زبان فارسی جستجو کرد.

ب) ریشه واژه ترجمه عربی است. جوهری (۳۳۲-۳۹۳ق) در صحاح، راغب (متوفی ۴۲۵ق) در مفردات، ابن‌منظور (متوفی ۷۱۱ق) در لسان‌العرب، فیومی (م ۷۷۰ق) در المصباح‌المنیر و برخی دیگر این دیدگاه را پذیرفته، در ماده «رجم» و «ترجم» آورده‌اند. در وجه اقتباس ترجمه از رجم می‌توان گفت: «رجم» به معنای پرتاب سنگ است که به صورت استعاری در سخن‌گفتن بر اساس حدس و گمان و نیز در معنای توهم، شتم و جزاین‌ها به کار می‌رود. ترجمه نیز ابزاری است برای رساندن پیام نویسنده متن به مخاطبان ناآشنا با زبان وی که این القا می‌تواند به منزله پرتاب تلقی شود، به‌ویژه اگر ترجمه برای انتقال پیام به گروهی ناسازگار یا در راستای تحقق امری خصمانه باشد.

«ترجم» رباعی نیز به معنای روش و آشکار کردن است و «تَرْجَمَ الْكَلَامَ» یعنی سخن را آشکار کرد. ترجمه نیز پیام متن مبدأ را برای مخاطبان ناآشنا به زبان مبدأ آشکار می‌سازد؛ از این رو، این وجه می‌تواند فلسفه این اشتقاق به شمار آید.

ج) ترجمه نه فارسی و نه عربی بلکه برگرفته از «رجم» کلدانی به معنای «افکندن» است.<sup>۱</sup>  
د) ترجمه از «ترجمان» معرب «ترزبان» یا «ترزفان» فارسی است. نویسنده غیاث اللغات و ناظم الاطباء - نویسنده فرهنگ‌نویسی - از طرفداران این قول هستند؛ اما دهخدا با این نظریه مخالف است و در ماده ترجمان می‌نویسد:

«... تصور می‌رود ترجمان مأخوذ از آرامی یا ترگمان [سریانی که شاخه‌ای از زبان آرامی است] را به صورت «ترژمان» و «ترزمان» نقل کرده‌اند و بعد کاتبان به شباهت لفظی و معنوی کلمه «ترزبان» و «ترزفان» خوانده‌اند و فرهنگ‌نویسان هر دو صورت اخیر و مخفّف و مبدّل آن «ترزفان» را ضبط کرده‌اند.»  
«ترزبان» به کسی می‌گویند که زبانی به اصطلاح چرب و نرم داشته و خوش سخن باشد.

## ۲. مفاهیم لغوی ترجمه

واژه ترجمه در معانی گوناگونی متناسب با ریشه لغوی آن به کار رفته است که به اختصار عبارت‌اند از:

۱. ترجمه در معنای بین‌زبانی (برگردان گفتار یا نوشتاری از زبانی به زبان دیگر):<sup>۲</sup> این معنا از معانی دیگر معروف‌تر و متداول‌تر است.

۲. ترجمه در معنای درون‌زبانی (تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی): ترجمان نیز در این معنا به کار رفته است؛ چنان که ابن عباس را «ترجمان القرآن» لقب داده‌اند.<sup>۳</sup> طبری در تفسیر خود (ج ۱، ص ۲۴، ۳۲، ۵۷، و...) و زمخشری در اساس البلاغة (ماده فسر) همین معنا را در نظر داشته‌اند. نمونه چنین ترجمه‌ای را می‌توان المنتخب فی تفسیر القرآن الکریم، تفسیر البراعم المؤمنة و نیز التفسیر الوجیز دانست که البته با اندکی تفسیر همراه است.

۳. ترجمه در معنای تفسیر سخن به زبانی دیگر که شامل ترجمه‌های تفسیری نیز می‌شود؛ دکتر آذرتاش آذرنوش در این باره آورده است:

۱. تاریخ قرآن، رامیار، ص ۶۴۶.

۲. لسان العرب: «فَسَّرَ كَلَامَهُ بِلِسَانِ آخَرَ» (ماده رجم).

۳. الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه حائری قزوینی، ج ۲، ص ۵۹۰، نوع ۸۰.



«چنین به نظر می‌رسد که نویسندگان ایرانی سده چهارم هجری، خاصه در شرق ایران، عموماً کلمه «ترجمه» و «ترجمان» را به معنایی که ما امروز می‌شناسیم، به کار نمی‌برده‌اند، بلکه بیشتر از «ترجمه» معنی شرح، تفسیر، بیان و از «ترجمان» معنی مفسر، ناقل و حتی واسطه میان دو کس را اراده می‌کردند.... در ترجمه تفسیر طبری این پدیده جالب به چشم می‌خورد که هرگاه مترجمان با آن دقت و سواس آمیز، ترجمه آیات را لفظ به لفظ و آیه به آیه می‌آورند، مبحث را با ذکر نام سوره آغاز می‌کنند و دیگر سخنی در این باره نیست که آن عبارت ترجمه است؛ اما هرگاه به تفسیر می‌پردازند، آن را به عنوان «ترجمه سوره» آغاز می‌کنند. این عنوان ۹۲ بار در متن تکرار شده است.»<sup>۱</sup>

۴. ذکر کردن سیرت و اخلاق و نسب شخص؛<sup>۲</sup> مانند کتاب التراجم. ترجمه در این معنا اصطلاحی در علم رجال و حدیث است که شرح حال بزرگان یا روایان حدیث را شامل می‌شود. از نوشتارهایی که درباره شخص و یا اشخاص معین تحریر می‌شود، گاه با همین واژه تعبیر شده است (کتاب تراجم).<sup>۳</sup>

ترجمه در این معنا را گاه به تناسب برای غیرانسان نیز به کار می‌برند: «ترجمة الكتاب» که مقصود از آن دیباچه کتاب است،<sup>۴</sup> اغلب شامل چگونگی تألیف و تشریح مسیر تحقیق و مشکلات راه و مانند آن‌ها می‌شود، و اطلاعات کلی از موضوع یک کتاب و چکیده‌ای از آن، در مقدمه یا پیشگفتار می‌آید؛ از این رو، شاید استفاده از «ترجمه» برای دیباچه یا مقدمه، به لحاظ سرگذشت نویسنده در گردآوری، تنظیم و تألیف و مشکلات فراروی او باشد که در دیباچه و گاه در مقدمه می‌آید.

### ۳. تعریف ترجمه بین‌زبانی

از بین معانی لغوی بیان شده برای ترجمه، معنای اول محور سخن است؛ از این رو، سخن را به سوی آن معطوف کرده، پیرامون آن توضیحاتی را ارائه می‌کنیم. برای ترجمه تعریف‌های بسیاری ارائه شده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. ترجمه عبارت است از برگردان مفاهیم، چه نوشته و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ (Source language) نامیده می‌شود، به زبان دیگر که زبان مقصد (Target language)

۱. یکی قطره باران (یادنامه ذریاب خوبی)، مقاله دکتر آذرنوش، ص ۵۵۵-۵۵۶.

۲. فرهنگ معین، واژه ترجمه.

۳. ر.ک: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۵۵.

۴. المنجد فی اللغة، واژه رجم.

خوانده می‌شود، به طوری که متن ترجمه شده همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد، در زبان مقصد نیز داشته باشد.<sup>۱</sup>

۲. ترجمه عبارت است از برگرداندن عناصر و ساختارهای متنی زبان مبدأ به معادل آن‌ها در زبان مقصد (با توجه به عوامل و شرایط برون‌زبانی)، به گونه‌ای که خواننده متن مقصد همان پیام و تأثیری را دریابد که خواننده متن مبدأ درمی‌یابد.<sup>۲</sup>

۳. ترجمه عبارت است از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک.<sup>۳</sup>

۴. **تعریف پیشنهادی:** ترجمه عبارت است از برگردان مراد گوینده از زبان مبدأ به زبان مقصد با حفظ رتبه تأثیرگذاری بر مخاطب و نیز حفظ عناصر و ساختارهای دستوری و بلاغی زبان مبدأ تا حد امکان و متناسب با نوع ترجمه.

تعریف‌های یاد شده و دیگر تعریف‌ها<sup>۴</sup> بر چند شاخص تأکید کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. انتقال پیام گوینده از زبان مبدأ به زبان مقصد؛

۲. انتقال رتبه تأثیرگذاری بر مخاطب در ترجمه؛

۳. نزدیک بودن ساختارهای (صرفی، نحوی، واژگانی و بلاغی) جایگزین شده در زبان مقصد، به زبان مبدأ تا حد امکان. (گفتنی است این مطلب تنها در برخی انواع ترجمه که توضیح آن خواهد آمد، ارزش به شمار می‌رود.)

#### ۴. اهمیت و ضرورت ترجمه

اسلام آیینی جهان‌شمول می‌باشد که بر پایه قوانین الهی به ودیعه نهاده شده در قرآن، بنا

۱. پیرامون زبان و زبان‌شناسی، باطنی، ص ۶۳. ۲. مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، قلیزاده، ص ۱۹.

۳. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، ص ۳۳.

۴. مانند:

- ترجمه فرایندی است که طی آن، مواد متنی زبانی مبدأ، جای خود را به مواد متنی معادلش در زبان مقصد می‌دهد. (یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناختی، کتفورد، ص ۴۲)

- ترجمه عبارت است از فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین‌سازی خود، زمینه‌ای را فراهم بیاورد که در آن، نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند. (درآمدی بر اصول و روش ترجمه، ص ۷۰)

- ترجمه عبارت است از فعالیتی فکری و ارادی که واژه‌ها بلکه مفهوم پیام‌ها را حفظ و باز می‌گرداند. (فصلنامه ترجمه، ش ۲ و ۳، «خیانت یا ترجمه» آمپار هور - ادواکبر، ص ۸۳)

- ترجمه را می‌توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست. (قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، ص ۳۱)

شده است؛ از این رو، همگان باید از محتوای کتاب آسمانی اسلام آگاه کردند و ساده‌ترین راه دستیابی به چنین هدفی «ترجمه» هر چه دقیق‌تر آن است؛ بنابراین، اهمیت ترجمه قرآن برخاسته از اهمیت و موقعیت و ویژگی‌های آیین اسلام است.

برخی محققان برای بیان اهمیت ترجمه بین‌زبانی قرآن به دلایلی چند استناد کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- قرآن دعوت عمومی است و باید به همه انسان‌ها ابلاغ شود: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ.» (آل عمران، ۱۳۸)

- غرض از نزول قرآن، تبیین و روشن ساختن آن برای جهانیان است، نه این‌که صرفاً آن را تلاوت کنند و تنها در اختیار گروهی خاص باشد: «قُلْ أُمَّيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغْ أُنذِرْكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَحْدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ بگو: گواهی چه کسی از همه برتر است؟ بگو: خداوند گواه میان من و شماست، و این قرآن بر من وحی شده است تا با آن به شما و همه کسانی که [این قرآن] به آن‌ها می‌رسد، بیم [و هشدار] دهم. آیا واقعاً گواهی می‌دهید که با خدا معبودی‌های دیگری هست [که با او شریک هستند]؟ بگو: من گواهی نمی‌دهم. بگو: او تنها معبود یگانه است، و من از آنچه شریک او می‌پندارید، بیزارم.» (انعام، ۱۹)

برخی نیز به وجوب تبلیغ دین بر همگان، سیره عقلا و متفکران، تکلیف ما لا یطاق در صورت ترجمه نکردن و جز این‌ها<sup>۱</sup> تمسک کرده‌اند، ولی باید توجه داشت که موارد یاد شده نمی‌تواند جواز همه انواع ترجمه را نتیجه دهد؛ زیرا با تفسیر نیز می‌تواند به اهداف یاد شده دست یافت؛ بنابراین، در گام نخست برای اثبات جواز ترجمه باید به دلایل مخالفان ترجمه پاسخ گفت که در جایگاه خود بدان خواهیم پرداخت. اما نقش و اهمیت تبلیغ از راه ترجمه بر هیچ‌کس، پنهان نیست؛ زیرا قرآن «مبین» است و به زبان و بیان روشنی نازل شده و خود بهترین معرف خود است و ترجمه دقیق، زیبا و رسا از آن، بهترین راه تبلیغ به شمار می‌رود؛ بله، برای آگاه کردن مخاطبان از زوایای دقیق قرآن، بیان برخی مفاهیم تفسیری مفید می‌باشد که معمولاً در ترجمه‌ها نیز به‌طور مختصر و اشاره‌وار بدان‌ها توجه می‌شود.

۱. تفسیر و مفسران، معرفت، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۳؛ مجله معرفت، شمار: ۴۸، ص ۷۷-۷۷، «نقد و بررسی ادله رشید رضا در ممنوعیت ترجمه قرآن».

## ۵. پیشینه ترجمه قرآن

ترجمه آیات و سُور قرآن از همان صدر اسلام مورد توجه بوده است. شاید اولین مترجم قرآن «جعفر بن ابی طالب» باشد که آیاتی از سوره مریم را به زبان حبشی ترجمه کرد.<sup>۱</sup> سلمان فارسی نیز به گزارش برخی روایات، سوره حمد را برای هم‌زبانان خویش ترجمه کرده که ترجمه بسمله آن به ما رسیده است؛<sup>۲</sup> البته برخی در این روایات به دلایلی چون اختلاف در نقل و ضعف سند تردید کرده‌اند.<sup>۳</sup>

در سال ۲۳۰ هجری قرآن به زبان هندی ترجمه شد<sup>۴</sup> و در قرن چهارم (۳۵۱-۳۶۵) «ترجمه و تفسیر رسمی» یا ترجمه تفسیر بزرگ جامع البیان طبری<sup>۵</sup> به همت علمای ماوراءالنهر و به درخواست سلطان منصور بن نوح سامانی رخ داد. پس از ترجمه‌های یاد شده، ترجمه‌های دیگری نیز در قرن‌های بعد به عرصه ظهور رسید که تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج) بین قرن‌های چهارم و پنجم،<sup>۶</sup> ترجمه ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی بین سال‌های ۴۶۲-۵۳۸ هجری، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، اثر شهفوبن طاهر اسفراینی در اواسط قرن پنجم،<sup>۷</sup> کشف الاسرار و عدة الابرار، اثر رشید الدین میبیدی (متوفی اوایل قرن ششم) و تفسیر روض الجنان و روح الجنان، تألیف ابوالفتوح رازی تدوین شده در دهه‌های دوم و سوم قرن ششم، از آن جمله‌اند. گفتنی است به باور برخی کارشناسان (دکتر علی رواقی) در فاصله قرن اول تا چهارم ترجمه‌های متعددی عرضه شده که می‌توان

۱. مجله التوحید الاسلامی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۱۶.

۲. وی بسمله را به «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه کرده است. ر.ک: الميسوط، السرخسی، ج ۱، ص ۳۷؛ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، اسفراینی، ج ۱، ص ۸.

۳. ر.ک: مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج ۲، ص ۵۵-۵۶؛ آقای محمد بهرامی در مقاله «نظریه‌پردازان ترجمه» (پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲-۴۳) دلایل زرقانی را نقل و نقد کرده است (القول السدید فی حکم ترجمة القرآن المجید، شاطر، ص ۴۳؛ تفسیر و مفسران، معرفت، ج ۱، ص ۱۴۱؛ گفتگوهای قرآنی، ص ۲۵۸-۲۵۹).

۴. مجله التوحید الاسلامی، سال دوم، شماره ۹، ص ۳۱۶.

۵. این ترجمه به ترجمه تفسیر طبری شهرت دارد، ولی تحقیقات نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی بین آن‌ها وجود دارد و از همین رو است که آقای دکتر آذرتاش آذرنوش نام ترجمه رسمی را برای آن برگزیده است. (ر.ک: تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ج ۱، ص ۲۰)

۶. به باور برخی (پیرسن) این احتمال وجود دارد که ترجمه کمبریج از ترجمه رسمی متأخر نباشد. (قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، ج ۱، ص ۱۴۳)

۷. برخی ترجمه تاج‌التراجم اسفراینی و نیز ترجمه سوراآبادی را هم زمان یا قدیمی‌تر از ترجمه طبری (ترجمه رسمی) نامیده‌اند. (دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۰۳۳)

نشانه‌هایی از آن‌ها را یافت؛ برای مثال، برخی تاریخ تألیف قرآن قدس را به پیش از قرن چهارم بازگردانده‌اند،<sup>۱</sup> هر چند برخی نیز با این نظریه موافق نیستند.<sup>۲</sup>

### فهرست اجمالی ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی

۱. ترجمه سلمان فارسی، قرن اول، ناقص.
۲. ترجمه قرآن قدس، مترجم ناشناس، احتمالاً ۲۵۰-۳۵۰ق، ناقص.
۳. ترجمه و تفسیر رسمی (ترجمه تفسیری طبری)، قرن چهارم، ۳۵۰-۳۶۶ق.
۴. تفسیر قرآن مجید (قرآن کمبریج)، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن‌های چهارم و پنجم، ناقص.
۵. تفسیر قرآن پاک، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن‌های چهارم و پنجم، ناقص.
۶. پلی میان شعرهای هیجایی و عروضی فارسی، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن‌های چهارم و پنجم (پیش از آن نیز گفته شده است)، ناقص.
۷. ترجمه قرآن کوفی، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن چهارم به بعد، ناقص.
۸. تفسیر بر عسری از قرآن مجید، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن‌های چهارم و پنجم، ناقص.
۹. لسان التنزیل (زبان قرآن)، [واژه‌نامه]، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن چهارم یا پنجم.
۱۰. تفسیر سورآبادی (تفسیر التفاسیر)، ابوبکر عتیق نیشابوری (سورآبادی)، نیمه دوم قرن پنجم (۴۷۰-۴۸۰ق).
۱۱. ترجمه ناصر خسرو، ناصر خسرو، قرن پنجم.
۱۲. ترجمه قرآن موزه پاریس، مترجم ناشناس، احتمالاً اوایل قرن پنجم.
۱۳. ترجمه قرآن شماره ۵۸ آستان قدس رضوی، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن پنجم، ناقص.
۱۴. تفسیر مفردات قرآن [ترجمه‌ای لفظ به لفظ و در واقع کتاب لغت قرآن]، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن پنجم، ناقص.

۱. بینات، سال ۱، شماره ۴؛ نوترین گنج در کهن‌ترین گنجینه، روحانی؛ قرآن قدس (کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی)، علی رواقی؛ گنگوهای قرآنی، ص ۲۶۲.

۲. مجله زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱ و شماره ۲، ص ۷۰، «پرتوی نو بر چگونگی شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه‌ای از قرآن به پارسی گویش»، ژیلبرلازار، ترجمه احمد سمیعی؛ دانشنامه جهان اسلام، ص ۸۱.

۱۵. تاج التراجم فی تفسیر القرآن بلاعاجم، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفرائینی، نیمه دوم قرن پنجم (احتمالاً ۴۵۱-۴۷۳ق)
۱۶. تفسیر نسخی، ابوحفص نجم‌الدین عمر نسخی (۴۹۲-۵۳۸ق)، اوایل قرن پنجم.
۱۷. الدرر فی الترجمان [واژه‌نامه]، محمد بن منصور المتحمّد المروزی، احتمالاً قرن‌های پنجم و ششم.
۱۸. قرآن تاجیک، مترجم ناشناس، براساس برخی حدس‌ها حدوداً قرن ششم.
۱۹. تفسیر سُنفُشی، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن ششم (تا قرن دهم نیز احتمال داده‌اند)، ناقص.
۲۰. تفسیر بصایر یمنی، معین‌الدین محمد بن محمود نیشابوری، قرن ششم.
۲۱. کشف الاسرار و عدة الابرار، ابوالفضل (احمد بن ابی اسعد بن محمد بن احمد مهریزد) میبدی، اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم.
۲۲. قرآن ری، مترجم ناشناس (به گفته برخی: ابوعلی بن حسن بن محمد بن حسن خطیب)، قرن ششم.
۲۳. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی)، ابوالفتوح رازی، اوایل قرن ششم.
۲۴. دقائق التأویل و حقایق التنزیل، ابوالمکارم محمود بن ابی‌المکارم حسنی (شیعی)، قرن هفتم.
۲۵. قرآن شماره ۶۳۱۵ آستان قدس رضوی، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن هفتم.
۲۶. ترجمه‌ای کهن از قرآن، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن‌های هفتم و هشتم.
۲۷. قرآن مترجم شماره ۱۳۷، به کتابت زین‌العابدین بن محمد کاتب شیرازی، زمان تحریر ۸۷۶ق.
۲۸. قرآن مترجم شماره ۱۴۶، مترجم ناشناس، اواخر قرن نهم.
۲۹. تفسیر گازر (جلاء الاذهان و جلاء الحزان)، ابوالمحاسن الحسین بن الحسن الجرجانی، قرن نهم یا دهم.
۳۰. مواهب علیّه یا تفسیر حسینی، کمال‌الدین حسین کاشفی (م. ۹۱۰ق)، قرن نهم.
۳۱. قرآن مترجم ۱۵۰۲، نظام‌الدین نیشابوری، قرن دهم.
۳۲. تفسیر و ترجمه الخواص، ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای، ۹۴۶ق.

۳۳. قرآن فرهنگستان، مترجم ناشناس، احتمالاً قرن دهم.
۳۴. حدایق الحقایق، معین‌الدین فراهی هروی (ملاً مسکین)، قرن دهم و اوایل قرن یازدهم، ناقص.
۳۵. ترجمه مخدوم نوح، مخدوم لطف‌الله بن نعمت‌الله (۹۱۱-۹۹۸ق)، قرن دهم.
۳۶. تفسیر منهج الصادقین، مولی فتح‌الله کاشانی (م. ۹۹۸ق)، قرن دهم.
۳۷. قرآن مترجم ۱۷۰، مترجم ناشناس، قرن یازدهم.
۳۸. قرآن مترجم ۵۸۵، مترجم ناشناس، قرن یازدهم.
۳۹. قرآن مترجم ۱۱۰، مترجم ناشناس، قرن یازدهم.
۴۰. تاج التراجم، جمال‌الدین بن حسین خوانساری (م. ۱۱۲۵ق).
۴۱. قرآن مترجم ۱۳۴، مترجم ناشناس، اوایل قرن یازدهم.
۴۲. ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی، (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق)، قرن دوازدهم.

#### ترجمه‌های قرن چهاردهم

۴۳. ترجمه بصیرالملک (محمد طاهر یا طاهر مستوفی شیبانی کاشانی)، ۱۳۱۶ش.
۴۴. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۱۵-۱۳۲۰.
۴۵. ترجمه صمصام‌الملک عراقی، ۱۳۲۲ش.
۴۶. ترجمه عبدالحسین آیتی، ۱۳۲۴.
۴۷. ترجمه آقا میرزا موسی، ۱۳۲۹ق.
۴۸. ترجمه احمد آرام (در سایه قرآن)، ۱۳۳۴ش.
۴۹. ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۳۶ش.
۵۰. ترجمه سید کاظم معزی، ۱۳۳۷ش.
۵۱. ترجمه احمد نواندیش، ۱۳۳۷ش.
۵۲. ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی، ۱۳۳۷ش.
۵۳. ترجمه عباس مصباح‌زاده، ۱۳۳۷.
۵۴. ترجمه شاه عبدالعظیمی (تفسیر اثنا عشری).
۵۵. ترجمه سید ابوالفضل برقعی، ۱۳۳۹ش.
۵۶. ترجمه سید عبدالمجید و صادق نوبری، ۱۳۳۹ش.

۵۷. ترجمه سید هاشم حسینی میردامادی، ۱۳۳۹ش.
۵۸. ترجمه و تفسیر سید ابراهیم بروجردی (تفسیر جامع)، ۱۳۴۰ش.
۵۹. ترجمه و تفسیر عبدالحسین طیب (الطیب البیان)، ۱۳۴۱ش.
۶۰. ترجمه صفی‌علی شاه، ۱۳۴۲ش.
۶۱. ترجمه خلیل‌الله صبری، ۱۳۴۴ش.
۶۲. ترجمه سید عبدالحجت بلاغی، ۱۳۴۵ش.
۶۳. ترجمه سید ابراهیم عاملی مشهدی، ۱۳۴۵ش.
۶۴. احسان‌الله علی استخری، ۱۳۴۶ش.
۶۵. ترجمه حسین عمادزاده اصفهانی، ۱۳۴۶ش.
۶۶. ترجمه زین‌الدین رهنما، ۱۳۴۶ش.
۶۷. ترجمه رضا سراج، ۱۳۴۷ش.
۶۸. ترجمه علی‌رضا خسروانی، ۱۳۴۸ش.
۶۹. ترجمه سید علی نقی فیض‌الاسلام.
۷۰. ترجمه محمود یاسری، ۱۳۵۲ش.
۷۱. ترجمه حکمت آل‌اقا، ۱۳۵۳ش.
۷۲. ترجمه سید جمال‌الدین استرآبادی، ۱۳۵۴ش.
۷۳. ترجمه سید اسدالله مصطفوی، ۱۳۵۵ش.
۷۴. ترجمه محمد بن عبدالرحیم نهاوندی، ۱۳۵۷ش.
۷۵. ترجمه گروه فرقان، ۱۳۵۷ش.
۷۶. ترجمه صادق تقوی، ۱۳۵۸ش.
۷۷. ترجمه سید محمدحسین همدانی، ۱۳۵۸ش.
۷۸. ترجمه داریوش شاهین، ۱۳۵۹ش.
۷۹. ترجمه بانو امین اصفهانی (مخزن العرفان)، ۱۳۶۱ش.
۸۰. ترجمه شهرام هدایت، ۱۳۶۰ش.
۸۱. ترجمه دیوبندی (تفسیر کابلی)، ۱۳۶۱ش.
۸۲. ترجمه محمدجواد نجفی (تفسیر آسان)، ۱۳۶۲ش.
۸۳. ترجمه کوکب‌پور رنجبر، ۱۳۶۲ش.



۸۴. ترجمه سید محمدتقی مدرسی (تفسیر هدایت)، ۱۳۶۳ش.
۸۵. ترجمه سید محمدباقر همدانی (ترجمه المیزان)، ۱۳۶۳ش.
۸۶. ترجمه اکبر ایران‌پناه، ۱۳۶۳ش.
۸۷. ترجمه محمد ثقفی تهران، ۱۳۶۴ش.
۸۸. ترجمه محمدجعفر یاحقی، ۱۳۶۴ش.
۸۹. ترجمه علی‌اکبر قرشی (احسن الحدیث)، ۱۳۶۶ش.
۹۰. ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱۳۶۷ش.
۹۱. ترجمه کلیم‌الله متین، ۱۳۶۸ش.
۹۲. ترجمه جلال‌الدین فارسی، ۱۳۶۹ش.
۹۳. ترجمه ابوالفضل داورپناه، ۱۳۶۹ش.
۹۴. ترجمه محمد خواجوی، ۱۳۶۹ش.
۹۵. ترجمه محمدباقر بهبودی، ۱۳۶۹ش.
۹۶. ترجمه ابوالقاسم امامی، ۱۳۷۰ش.
۹۷. ترجمه محمدحسین روحانی، ۱۳۷۰ش.
۹۸. ترجمه مصطفی خرم‌دل، ۱۳۷۱ش.
۹۹. ترجمه بی‌آزار شیرازی (تفسیر کاشف)، ۱۳۷۱ش.
۱۰۰. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی (ویرایش استاد ولی)، ۱۳۷۱ش.
۱۰۱. ترجمه حشمت‌الله ریاضی، ۱۳۷۲ش.
۱۰۲. ترجمه کاظم پورجوادی، ۱۳۷۲ش.
۱۰۳. ترجمه دارالقرآن گلپایگانی، ۱۳۷۲ش.
۱۰۴. ترجمه احمد کاویان‌پور، ۱۳۷۲ش.
۱۰۵. ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۳۷۳ش.
۱۰۶. ترجمه مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش.
۱۰۷. ترجمه محمود اشرفی، ۱۳۷۳ش.
۱۰۸. محسن قرائتی (تفسیر نور)، ۱۳۷۴ش.
۱۰۹. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۷۴ش.
۱۱۰. ترجمه جلال ربانی‌فر، ۱۳۷۵ش.

۱۱۱. ترجمه بهروز مفیدی شیرازی، ۱۳۷۵ش.
۱۱۲. ترجمه امید مجد، ۱۳۷۶ش.
۱۱۳. ترجمه فارسی تاجیکی، ۱۳۷۶ش.
۱۱۴. ترجمه مسعود انصاری، ۱۳۷۷ش.
۱۱۵. ترجمه الهی قمشه‌ای، با ویرایش استاد ولی، ۱۳۷۷ش.
۱۱۶. ترجمه محمدرضا قبادی آدینه‌وند (کلمة الله العلیا)، ۱۳۷۷ش.
۱۱۷. ترجمه علی‌اکبر سروری، ۱۳۷۷ش.
۱۱۸. ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۷ش.
۱۱۹. ترجمه باباصفری، ۱۳۷۷ش.
۱۲۰. ترجمه حسین نفیسی، ۱۳۷۸ش.
۱۲۱. ترجمه علی‌اکبر حسینی، ۱۳۷۸ش.
۱۲۲. ترجمه علی‌اکبر طاهری، ۱۳۷۸ش.
۱۲۳. ترجمه علی‌اصغر حلبی، ۱۳۷۸ش.
۱۲۴. ترجمه عبدالمجید معادی‌خواه، ۱۳۷۹ش.
۱۲۵. ترجمه حسن مصطفوی، ۱۳۸۰ش.
۱۲۶. ترجمه شهاب تشکری آران‌ی، ۱۳۸۰ش.
۱۲۷. ترجمه علی‌اکبر طاهری قزوینی، ۱۳۸۰ش.
۱۲۸. ترجمه محمد شائق قمی، ۱۳۸۰ش.
۱۲۹. محمود صلواتی، ۱۳۸۰ش.
۱۳۰. ترجمه علی مشکینی، ۱۳۸۰ش.
۱۳۱. ترجمه طاهره صفارزاده، ۱۳۸۰ش.
۱۳۲. ترجمه موسوی جزایری، ۱۳۸۱ش.
۱۳۳. ترجمه محمدی، ۱۳۸۱ش.
۱۳۴. ترجمه زهرا روستا، ۱۳۸۱ش.
۱۳۵. ترجمه سید مهدی دادور (آیت‌اللهی)، ۱۳۸۱ش.
۱۳۶. ترجمه یشربی، ۱۳۸۱ش.
۱۳۷. ترجمه سید کریمی حسینی (تفسیر علیین)، ۱۳۸۲ش.

۱۳۸. ترجمه کیوان قزوینی (تفسیر کیوان قزوینی)، ۱۳۸۲ش.
۱۳۹. ترجمه محمد صادقی تهرانی، ۱۳۸۲ش.
۱۴۰. ترجمه اصغر بُرزی، ۱۳۸۲ش.
۱۴۱. ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، ۱۳۸۲ش.
۱۴۲. ترجمه مسعود ریاعی، ۱۳۸۳ش.
۱۴۳. ترجمه حسین انصاریان، ۱۳۸۳ش.
۱۴۴. ترجمه موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳ش.
۱۴۵. ترجمه موسوی دانش (ترجمه تفسیر کاشف)، ۱۳۸۳ش.
۱۴۶. ترجمه معصومه یزدان‌پناه، ۱۳۸۴ش.
۱۴۷. ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و دیگران، ۱۳۸۴ش.
۱۴۸. ترجمه محمد فقیهی رضایی، ۱۳۸۴ش.
۱۴۹. ترجمه خدا امینیان، ۱۳۸۴ش.
۱۵۰. ترجمه محمد خامه‌گر (تفسیر آفتاب - ناقص)، ۱۳۸۵ش.
۱۵۱. ترجمه گلی از بوستان خدا (حجتی)، ۱۳۸۵ش.
۱۵۲. ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ش.
۱۵۳. ترجمه سید محمدرضا صفوی، ۱۳۸۵ش.
۱۵۴. ترجمه استاد ولی (ویرایش جدید)، ۱۳۸۶ش.
۱۵۵. ترجمه حداد عادل، ۱۳۸۷ش.

## ۶. ترجمه‌ناپذیری و موانع ترجمه قرآن

درباره تدوین ترجمه قرآن از گذشته‌های دور تاکنون دو مسئله مطرح شده است: نخست جواز ترجمه قرآن از نظر فقهی و دیگری امکان تحقق آن. بحث نخست را در ضمن مباحث فقهی ترجمه قرآن بیان می‌کنیم و اما در مورد امکان یا عدم امکان ترجمه قرآن باید گفت: واقعیت این است که در مسیر ترجمه قرآن دو دسته موانع وجود دارد که کار را برای مترجم اگر غیر ممکن نکنند، بسیار دشوار می‌سازد که شناخت آن‌ها می‌تواند در بُعد نظری، بستر لازم را برای عبور مترجم فراهم آورد و در تصمیم‌گیری او اثر گذارد. بررسی دشواری‌های ترجمه از عربی به فارسی آن هم درباره متن مقدس قرآن از دو زاویه می‌تواند سامان یابد: نخست، بررسی موانع زبانی و دیگر موانع فرهنگی.

## ۱-۶. موانع زبانی در ترجمه قرآن کریم

### ۱-۱-۶. جامعیت زبان عربی

به اعتراف زبان‌شناسان، زبان عربی نسبت به دیگر زبان‌ها از آن‌چنان جامعیت و ازگانی و ساختاری برخوردار است که در دیگر زبان‌ها مشابه آن یافت نمی‌شود و همین امر کار مترجم را در برابریابی و ایجاد تعادل و ازگانی و ساختاری با دشواری‌های حل‌ناشدنی روبه‌رو می‌سازد. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره زبان عربی آمده است: «يُبَيِّنُ الأَلْسُنَ وَ لا تُبَيِّنُهُ الأَلْسُنُ»؛<sup>۱</sup> زبان عربی گویایی دیگر زبان‌ها را دارد، ولی آن‌ها گویایی زبان عربی را ندارند و به دیگر سخن، زبان عربی توانایی آن را دارد که مفاهیم دیگر زبان رابه مانند آن‌ها، بلکه گویاتر بیان کند، ولی دیگر زبان‌ها از چنین امکانی بهره‌مند نیستند و شاید از این‌رو باشد که بر اساس روایاتی، سخن‌گفتن اهل بهشت به عربی است. چنان‌که گذشت، جامعیت زبان عربی را از دو جهت می‌توان پیگیری کرد: گستردگی و جامعیت و ازگانی و جامعیت ساختاری (صرفی، نحوی و بلاغی).

**الف) جامعیت و ازگانی (زبان عربی):** برای یک مترجم فارسی‌زبان شاید هیچ کاری به اندازه «واژه‌یابی» به‌ویژه برای واژه‌هایی که در معنا نزدیک‌اند، دشوار نباشد. این دشواری در برابریابی برای واژه‌های مترادف که گاه فاصله آن‌ها از مو باریک‌تر می‌شود، گاه کشنده است، آن‌چنان‌که در برخی موارد مترجم را به یأس می‌کشاند و گرد ناامیدی و ناتوانی را به چهره او می‌پاشد و از همین جاست که برخی اساساً ترجمه را کاری ناشایست می‌دانند و از آن و استناد به آن نکوهش می‌کنند، به‌ویژه در کارهای علمی و در خصوص اهل دانش و فضل.

این دشواری زمانی بغرنج‌تر می‌شود که متن مبدأ «حساس» نیز باشد. البته گنجینه و ازگان زبان عربی در حال حاضر بسیار کمتر و کوچک‌تر از گذشته شده است و به قول کسایی: «بسیاری از لغات عرب کهنه شده است.»<sup>۲</sup> و به گفته یونس به حبیب بصری از ابو عمرو: «آنچه از کلام عرب به شما رسیده کم است و اگر همه آن می‌آمد، مجموعه فراوانی از علم و شعر می‌شد.»<sup>۳</sup>

باری، ترجمه هرگز نمی‌تواند تصویری روشن و کامل از اصل ارائه دهد و چه بسیار ترجمه‌هایی که بسان آینه‌های موج‌دار، تصویر خود را کژتاب و موج‌دار و ناهنجار عرضه

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۷۲؛ کتاب فضل القرآن، باب الانوادر، ح ۲۰.  
 ۲. اللسان، ج ۳، ص ۴۳۱.  
 ۳. نزهة الألباء، ص ۳۳.

می‌کنند؛ برای مثال، کدام مترجم تاکنون توانسته برای «رحمن» و «رحیم» معادل و برابر بیابد؟ آیا برای «قعود» و «جلوس» می‌توان برابر شایسته‌ای یافت؟ همین‌طور است بسیاری از واژه‌هایی که ما به خیال خود برای آن‌ها برابر داریم و زهی خیال باطل! برای نمونه، واژه‌های ذیل را که باهم فرق‌هایی دارند، در ترجمه‌های قرآن و غیر آن ردیابی کنید تا روشن شود در ترجمه، به چه میزان ریزش معنا وجود دارد و خوانندگان ترجمه چه لذت و بهره بزرگی را از دست می‌دهند. ثوب و لباس؛ احد و واحد؛ خوف و خشیت؛ رأی و نظر و بصر؛ ریب و شک؛ صدق و مهر؛ صیام و صوم؛ اعوذ و الوذ؛ عفو و غفران و صفح؛ غشاء و غطاء؛ و جز این‌ها.

اگر به کتاب‌هایی که واژه‌های مترادف را به بحث گذاشته‌اند (مانند معجم الفروق اللغویه و امثال آن) سری بزنیم، خواهیم دید که وقوف بر مفاهیم و اشارات یک کلام، تنها در سایه آشنایی با زبان و فرهنگ گوینده میسر است و آنچه مترجم در قالب ترجمه ارائه می‌کند - چنان که گفته شد - بسان تصویری در آینه موج‌دار و به قول فقها، از باب «اکل میته» است. البته آنچه آمد، درباره واژگان قرآنی است و اگر بخواهیم به واژگان غیر قرآنی نیز پردازیم، کافی است نیم‌نگاهی به کتاب المخصص ابن‌سیده (۴۵۸ق) بیفکنیم تا توانایی عرب را در به‌کارگیری واژگان و واژه‌سازی، با تمام وجود احساس کنیم.

ب) **جامعیت ساختاری دستوری (صرفی - نحوی):** زبان عربی به گفته زبان‌شناسان گسترده‌ترین و پرقاعده‌ترین زبان است. علامه سید محمدحسین طهرانی در نور ملکوت قرآن در این خصوص آورده است:

«زبان‌های پیشرفته دنیا به دو اصل و ریشه برمی‌گردد: ریشه سامی و ریشه هند و اروپایی. در زبان‌های اروپایی بهترین و قوی‌ترین آن‌ها زبان فرانسه است که از جهت قواعد و ادبیات متقن‌تر است، و زبان آلمانی با این‌که زبان مشکل و دارای قواعدی است، به پای آن نمی‌رسد، و همچنین زبان ایتالیایی و اسپانیولی و روسی، و اما زبان انگلیسی که مع‌الاسف امروزه به واسطه غلبه استعمار در دنیا غلبه کرده است، زبان بی‌اساس و بدون قواعد و لطایف ادبی است؛ زبانی است در کمال سادگی؛ گرامر و تجوید آن نیز بسیار سهل است، و ابداً با زبان فرانسه قابل مقایسه نیست...»

و اما در زبان‌های سامی، بهترین و عالی‌ترین آن‌ها از جهت ادبیات و قواعد نحوی و گرامری و محسنات بیانی و بدیعی، و کثرت لغات و اشتقاق و فصاحت و بلاغت و

مسائل مشروحه به عبارت موجز و مختصر با نشان دادن اصل مراد به‌طور اکمل و اتم، منحصر به زبان عربی است و حتی هم‌شاخه آن در ادب که زبان عبری محسوب می‌شود، به پایه و ارج و مرتبه زبان عربی نمی‌رسد. اشعار و قصاید عرب از زمان جاهلیت تا حال و خُطَب و کتب مدوَّنه در ادبیات عرب، اینک در دست و شاهد صادق مدَّعای ماست، به‌طوری که اگر بخواهیم زبان عرب را در مشرق‌زمین با زبان فرانسه در مغرب‌زمین بسنجیم و مقایسه کنیم، می‌بینیم که زبان عرب به مراتب از زبان فرانسه وسیع‌تر و فصیح‌تر و ریشه‌دارتر و قواعد و صرف و نحو و اشتقاق و لغت و معانی و بیان آن دقیق‌تر و عمیق‌تر و ظریف‌تر است؛ بنابراین، به‌طور کلی در تمام دنیا زبانی به ارجمندی و عالی‌رتبگی زبان عرب نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

در بین زبان‌های مختلف، شبیه‌ترین زبان به زبان عربی، فارسی است، ولی با این حال هم از جهت ساخت‌های صرفی و نحوی و هم از جهت واژگانی و هم از جهت آوایی نمی‌تواند رقیب قدرتمندی برای زبان عربی به‌شمار آید؛ برای مثال، تعداد صیغه‌ها در زبان عربی چهارده و در زبان فارسی شش‌تاست؛ در زبان عربی همه اشیا مذکر و مؤنث (حقیقی و مجازی) دارند، در حالی که در فارسی این‌چنین نیست. در زبان عربی گاه یک حرف (قِ در «قِنا») کار یک فعل را می‌کند، ولی در فارسی چنین توانایی‌هایی در ایجاز وجود ندارد. در زبان عربی یک جمله می‌تواند به شکل‌های مختلفی تأکید شود، ولی در زبان فارسی این‌چنین مانوری در تأکید امکان نمی‌یابد (هرچند برخی، تأکیدهای زبان عربی را امری زبانی می‌دانند و بر این باورند که نمی‌توان تأکیدهای زبان عربی را مانند تأکیدهای زبان فارسی در نظر گرفت). اشتقاق در زبان عربی نیز مثال‌زدنی است و - چنان که علامه طهرانی تصریح کرده‌است - مانند آن در هیچ زبانی دیده نمی‌شود و جز این‌ها.

این برتری یک زبان بر زبان دیگر (مقصد) کار ترجمه را دشوار می‌سازد و مانعی بزرگ بر سر راه مترجم به‌شمار می‌رود؛ برای مثال «مفعول مطلق» از جمله ساختارهای نحوی است که در زبان فارسی مشابه ندارد و از این‌رو مترجم باید آن را در قالب ساختاری معادل به زبان مقصد منتقل کند. مفعول مطلق از گذشته‌های دور با همان ساختار وارد زبان فارسی شده است، هرچند در زبان معیار روزگار ما به کار نمی‌رود؛ به مثال‌های ذیل توجه کنید:

۱. نورملکوت قرآن، ج ۴، ص ۱۲۷-۱۲۸.